بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد وآله اجمعین

اِعْلَمْ بِاَنَّ الْعَبْدَ مُبْتَلاً بَیْنَ اَنْ یُطِیعَ اللّٰهَ تَعَالَی فَیُثَابَ وَبَیْنَ اَنْ
ازموده شده است
یَعْصِیَهُ فَیُعَاقَبَ یعنی بدان این بدرستی که بنده آزموده شده است
میان آنکه فرمان برداری کند خدای تبارک وتعالی را پس مستحق شود
بنده بانکه ثواب داده شود او را ومیان آنکه گناه ونا فرمانی کند پس مستحق
این را که عقوبت کرده شود بدانکه مراد بآزمودن حقیقت ازم
بلکه مراد بآزمودن عمل آزمایندها کردن است وسبب این ظا
کلام آنست حق سبحانه وتعالی سبب برخلق استحقاق ثواب وعقاب
بظهور طاعت یا معصیت چنانکه حکمت او تقاضا کرده است که طاعت
ومعصیت بر بنده پیدا کند تا فردای قیامت ثواب وعقاب
سبب کردار او باشد [illegible] کردار با وجه باشد وبدانکه
[illegible] علم بنفس خود متعلق [illegible] احتیاج بحرف بانیست لکن آن
او از برای [illegible] تعلق علم است بمضمون جمله گویا گفته است که
والا [illegible] یتعلق بالمشروع وغیر المشروع فعلاً وترکاً واز

شرح وقایه

شیخین حضرت امام اعظم وامام یوسف
وطرفین یعنی امام اعظم وامام محمد
وصاحبین امام یوسف وامام محمد

[redacted]

~~کتاب الفقه~~

[redacted]

JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
Acc. No. 3007
Date 28.12.05

Inst. of Islamic Studies New Delhi

3007

رسانید شما از جانب من و اگرچه آیتی باشد و حدیث که

فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمُ الْغَائِبَ یعنی پس گو تا برساند آنکسی که حاضر است

از شما غایب را و مصنف ره از جملهٔ علماء اند و اگرچه علمای سابق انواع

مشروع را در کتابها بیان فرموده اند اما چون مصنف ره اهل

زمان خود در اقامه یافته باشد از شیع آن کتابها کاینبغی پس اورا

جهت چو گرد ... چنانچه سزاوار است

لابد باشد از تبلیغ علم بر وجه اختصار و الحضار که مناسب اهل

همت پس

زمان ما وست فَنَتَوَكَّلُ بِاللهِ التَّوْفِيقِ پس میگوئیم ما و حال آنکه

خاصه بیاری دادن الله تعالی است موافق شدن اقوال ما با آنچه

خیر است و آنچه دوست میدارد او زیرا که گفته اند که معنی توفیق گردانیدن

حق تعالی فعل بنده را موافق آنچه خیر است در حق او و رضای او در ان است

و اختیار نقول بر اقول یکی از دو وجه است یکی آنکه متوسلات این کتاب

اگرچه برین ترتیب از مصنف ره واقع است اما اصل مسایل منقول

از علماست پس متکلم واحد نباشد دیگر آنکه درین قول استعانت

طلب [illegible] علماء است گویا این تالیف تنها از و واقع نشده المشروع

معنی این در لغت ظاهر گردانیده شده است و در اصطلاح طریقه

نبی علیه السلام [illegible] دینی را گویند که ظاهر گردانیده باشد حق تعالی [illegible]

و شاید که بمعنی مشروع فیه باشد یعنی فعلی که سزاوار است بر عاقل که

توجه می شود بمشروع از روی کردن و ناکردن آن و بغیر مشروع
از روی کردن و ناکردن آن باین طریق که اگر مشروع را بفعل
آرد ثواب می یابد و اگر بی عذر ترک میکند عقاب کرده می شود
و نامشروع را اگر بفعل می آرد معاقب می شود و اگر ترک می کند
ثواب داده می شود و بدانکه مراد بمشروع مشروع حقیقی است که
بکردن آن ثواب و بناکردن او عقاب است پس منتقض نشود بمباح
که او نیز از جملهٔ مشروعات است چراکه مشروعیت او بطریق مجاز
باعتبار روا نگه کردن او جایز است در شرع یا گوئیم که وابسته شدن
از بودن بمشروع لازم نیست که بجمیع افراد باشد بلکه بنوع او که
وابسته است فی الجمله بسنده است پس صحیح قول او که ولابتلاء تعلق
بالمشروع فلابد من بیان انواع المشروعات وغیر المشروعات
و بیان معانیها واحکامها پس ناچار است از بیان کردن انواع
مشروعات و غیر مشروعات و بیان معانی اینها و احکام اینها
یعنی آثار که مترتب می شود بر اینها لیتیسر على الطالب درکها و ضبطها
تا اینکه آسان شود بر طالب دریافتن و ضبط کردن انواع مشروعات
و غیر مشروعات و معانی اینها و احکام اینها و [illegible] آنست که
هدیه تبلیغ علم بنا بر حدیث شریف که بلغوا عنی ولو آیة یعنی
نیک نیک رسانیدن

معانیها
معانیها

JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
ACC. No. 3007
Date

JAMIA HAMDARD
قسم المخطوطات

پس همه انواع هشت است اما الفرض معنی فرض در لغت بریدن
و اندازه کردنست در اصطلاح فما ثبت بدلیل لا شبهة فیه است
یعنی آنست که ثابت شده باشد
یعنی فرض آن فعلی است که ثابت شده باشد لازم شدن آن فعل
بر بنده را بدلیل قطعی که نباشد شبهه در ورود آن دلیل مثل
که ثابت شده فرضیت او بدلیل قطعی که آن قول حق تعالی است که و اقیموا الصلوة
یعنی برپای دارید نماز را و همچون فرضیت روزه داشتن که حق تعالی گفته
فرض کرده شده است بر شمایان روزه داشتن را همچنانکه فرض
گردانیده شده بود بر کسانیکه پیش از شما بودند پوشیده نماند که
فرض در عرف شرع بدو معنی مستعمل میشود یکی را الفرض القطعی گویند
و دوم را الشیء فرض گویند و فرض الشیء آنست که موقوف علیه صحت
آن چیز باشد خواه بدلیل قطعی ثابت شده باشد خواه بدلیل ظنی
مثل فرضیت ربع راس در طهارت که موقوف علیه صحت طهارت است
با آنکه بدلیل قطعی ثابت نشده بلکه بخبر واحد که مفید ظن است
ثابت شده چنانچه در محلش بیان کرده شده و شرعی فرض آنست که
مصنف تعریف کرده است بدانکه دلیل در لغت راه نموده است
و در اصطلاح چیزی را گویند لازم آید از دانستن آن دانستن
چیز دیگر و دلیل قطعی پیش علماء فقه سه است اول کتاب است

قطعی

الصلوة کتب علیکم الصیام

ثابت شده است بآن اینست [illegible]